

جنگ قدرت در ایران و پیش روی محافظه کاران افراطی

منتشر شده در [هافینگتون پست](#)

خبر تعجب آوری بود. اکبر هاشمی رفسنجانی، یکی از ارکان اصلی جمهوری اسلامی از ابتدا تاکنون، در انتخاب رئیس مجلس خبرگان رهبری در ۱۹ اسفند 93، رقابت را با ۲۴ رأی در برابر ۴۷ رأی به آیت الله محمد یزدی واگذار کرد.

مجلس خبرگان رهبری دو وظیفه بسیار مهم بر عهده دارد. اول- انتخاب رهبر جمهوری اسلامی (اصل ۱۰۷ قانون اساسی). دوم- برکناری رهبر در صورت ناتوانی یا از دست دادن شرایط رهبری (اصل ۱۱۱ قانون اساسی). آیت الله یزدی ۸۳ ساله، یکی از افراطی‌ترین محافظه‌کاران، همچون رئیس قبلی مجلس خبرگان رهبری بیمار است. این رویداد در بستر جنگ قدرت جمهوری اسلامی قابل فهم است.

انتخابات و جنگ قدرت

جمهوری اسلامی از ابتدای تأسیس تاکنون همیشه گرفتار جنگ بر سر منابع کمیاب قدرت، ثروت، معرفت و منزلت اجتماعی بوده است. جنگ واقعی و آشکاری که حذف از ساختار سیاسی از طریق دروغ، تهمت، ترور شخصیت، سرکوب و زندان طرد شدگان پیامد آن بوده است.

در واقع دو متغیر مهم دموکراسی نمایندگی، یعنی "مشارکت" و "رقابت" سیاسی، در دیکتاتوری جمهوری اسلامی وجود دارد. در سطح رأی دادن، همیشه رژیم به دنبال بالاترین میزان مشارکت مردم در هر انتخاباتی بوده و هست. برای این که مشروعیت نظام را به دو شیوه موجه می سازد: الف- انواع تظاهرات خیابانی (روز قدس، روز ۲۲ بهمن به مناسبت سالگرد انقلاب، و...). ب- تأکید بر این که میزان رأی دادن مردم در انتخابات های گوناگون جمهوری اسلامی، همیشه از همه انتخابات نظام های لیبرال دموکراسی- به خصوص آمریکا- بسیار بالاتر است.

اما مشارکت و رقابت در کاندیداتوری بسیار محدود است. نه تنها مخالفان رژیم و بی دینان و بهائیان حق کاندیداتوری ندارند، بلکه نیروهای خودی نظام- یعنی افرادی که اسلام، انقلاب، قانون اساسی، آیت الله خمینی، آیت الله خامنه ای را قبول دارند- نیز به دلیل عدم تبعیت محض از آیت الله خامنه ای و نظراتش، غیرخودی شده و از فرایند انتخابات توسط شورای نگهبان حذف می شوند.

بدین ترتیب، فقط خودی ها برای ۴ انتخابات ریاست جمهوری، مجلس خبرگان رهبری، مجلس شورای اسلامی و شوراهای شهر و روستا تأیید صلاحیت می شوند. یعنی مشارکت سیاسی محدود به آنان است. اما رقابت سیاسی میان نامزدها بسیار جدی است و به افشاکری ها و نزاع های ریشه ای می انجامد.

حذف سبزه ها و اصلاح طلبان

آیت الله خامنه ای از زمانی که رهبری جمهوری اسلامی را در دست گرفت، حذف اصلاح طلبان- که در دهه اول انقلاب "چپ" ها خوانده می شدند- را آغاز کرد. انتخابات ریاست جمهوری دوم خرداد ۱۳۷۶ که به انتخاب محمد خاتمی انجامید، شوک بالایی بر او وارد آورد. پس از آن انتخابات مجلس ششم در بهمن ۷۸ برگزار شد و اصلاح طلبان اکثریت آن مجلس را هم به دست آوردند.

آیت الله خامنه ای در انتخابات مجلس هفتم، با رد صلاحیت حدود ۳۵۰۰ نفر (از جمله ۸۰ نماینده مجلس ششم) به وسیله شورای نگهبان، و "[گردن کلفت](#)" خواندن نمایندگان اصلاح طلب مجلس ششم، مجلس تماماً محافظه کار هفتم را پدید آورد. پس از آن نیز در انتخابات ریاست جمهوری خرداد ۸۴ به گونه ای عمل کرد که هاشمی رفسنجانی و اصلاح طلبان حذف شده و محمود احمدی نژاد به ریاست جمهوری رسید.

او پیروزمندانه اعلام کرد، قطار انقلاب که از مسیر ارزش ها خارج شده بود، به روی ریل های خود بازگشت. دولت احمدی نژاد را "[محبوب ترین دولت ها بعد از انقلاب مشروطه تا امروز](#)" قلمداد کرد. بارها گوشزد کرد که اصلاح طلبان حاکمیت جمهوری اسلامی را به "حاکمیت دوگانه"- بخش انتخابی در برابر بخش انتصابی- تبدیل کرده بودند، اما با حذف آنان حاکمیت دوباره یکپارچه شده است (1 و 2).

انتخابات متقلبانه ریاست جمهوری خرداد ۸۸ به "[جنبش سبز](#)" انجامید. خامنه ای با اعلام این که "[نظرات آقای رئیس جمهور احمدی نژاد از نظرات هاشمی رفسنجانی](#) به نظر بنده نزدیکتر است"، جنبش را سرکوب و رهبران (موسوی و کروبی و رهنورد) را در منازلشان زندانی کرد.

خامنه ای در 91/6/2 در دیدار با کابینه احمدی نژاد [گفت](#) که در دوران ۸ سال اصلاحات، "انقلاب و انقلابی گری به عنوان ضد ارزش به انزوا افتاده بود"، اما "نقطه قوت" دوران ریاست جمهوری احمدی نژاد، "برجسته کردن ارزش های انقلاب است".

یکی از وعده های حسن روحانی در انتخابات ریاست جمهوری ۹۲ آزادی موسوی و کروبی و رهنورد بود. [مطالبه آزادی رهبران جنبش سبز اینک به خواستی عمومی تبدیل شده است](#). اما [خامنه ای همچنان در جنبه خطای استراتژیک گرفتار است](#).

عکس العمل خامنه ای به این مطالبه، محدود کردن بیشتر محدودیت های محمد خاتمی است. او که قبلاً ممنوع الخروج از کشور شده بود، این بار ممنوع التصوير شد. محسنی اژه ای- معاون و سخنگوی قوه قضائیه در ۲۷ بهمن ۹۳ گفت که خاتمی یکی از رهبران جنبش سبز بود و انتشار مطالب و تصویر او توسط رسانه ها ممنوع است و اگر رسانه ای خلاف این دستور عمل کند، با آن برخورد خواهد شد.

پس از این سخنان، رسانه ها به دلیل ترس از توقیف، دیگر نامی از محمد خاتمی نبردند. ابراهیم رئیسی- دادستان کل کشور- هم در ۲/۱۲/۹۳ [گفت](#) که ممنوعیت خاتمی توسط سخنگوی قوه قضائیه اعلام شده و "جای هیچ گونه تردیدی باقی نمی ماند".

بدین ترتیب، خامنه ای به مخالفان می گوید که نه تنها در برابر فشار اجتماعی برای رفع حصر عقب نشینی نخواهد کرد، بلکه با محدودیت های جدید برای خاتمی اجازه نخواهد داد تا او همچون انتخابات

ریاست جمهوری ۹۲ که از اعتبارش برای رئیس جمهور شدن حسن روحانی استفاده کرد، در انتخابات مجلس شورای اسلامی در ۷ اسفند سال آینده استفاده کند.

جنگ قدرت هاشمی رفسنجانی و خامنه ای

انتخابات مجلس خبرگان رهبری در ۷ اسفند سال آینده همزمان با انتخابات مجلس برگزار خواهد شد. این انتخابات بسیار مهم است، برای این که انتخاب رهبر با آن مجلس است. آیت الله خامنه ای که به خاطر داشت که هاشمی رفسنجانی چگونه به عنوان رئیس مجلس خبرگان در فردای مرگ آیت الله خمینی با ذکر یک خاطره وی را به رهبری رساند، برای این که چنان نقش مهمی دیگر نداشته باشد، پس از جنبش سبز چنان فضایی علیه هاشمی به راه انداخت که او مجبور شد در اسفند ۸۹ ریاست مجلس خبرگان رهبری را به آیت الله مهدوی کنی بسپارد.

آیت الله مهدوی کنی در خرداد سال جاری در بیمارستان به کما رفت و در مهرماه خبر مرگ او اعلام شد. هفدهمین اجلاس دوره چهارم مجلس خبرگان رهبری در ۲۰-۱۹ اسفند برگزار گردید. رئیس جدید مجلس خبرگان برای یک سال باقیمانده انتخاب شد. این انتخابی مهم و سرنوشت ساز برای انتخابات سال آینده و رهبری بعد از آیت الله خامنه ای است.

اختلافات خامنه ای و محافظه کاران با هاشمی رفسنجانی به شدت افزایش یافته است (۱ و ۲ و ۳). هاشمی گفته بود در صورتی که محافظه کاران افراطی (مصباح یزدی، محمد یزدی، احمد جنتی، ...) کاندیدای ریاست خبرگان شوند، او هم کاندیدا خواهد شد. اما اگر افراطی ها کاندیدا نشوند، او هم کاندیدا نخواهد شد. انتخاب محمد یزدی به ریاست خبرگان یک پیروزی مهم برای محافظه کاران افراطی به شمار می رود.

نگرانی اصلی خامنه ای و محافظه کاران مجلس خبرگان بعدی است. [آنان بارها ادعا کرده اند](#) که هاشمی به دنبال دست یافتن به اکثریت در مجلس خبرگان آینده است تا نه تنها راه ریاست خود را هموار کند، بلکه از طریق نظارت قدرت رهبری را محدود سازد.

آیت الله موحدی کرمانی در نشست وحدت محافظه کاران گفته [است](#): که هیچ یک از اعضای فعلی خبرگان در برابر خامنه ای هیچ غلطی نمی توانند بکنند و نگرانی آنان معطوف به دوران پس از خامنه ای است و اگر مجلس آینده را در دست بگیریم، اسلام و نظام سیلی خواهند خورد.

محافظه کاران افراطی حال که خود را قدرتمندتر از قبل احساس می کنند، هاشمی رفسنجانی را تهدید به برخورد قضایی می کنند. روز بعد از انتخاب محمد یزدی به ریاست خبرگان رهبری، صادق لاریجانی- رئیس قوه قضائیه و عضو و مجلس خبرگان رهبری- [هاشمی رفسنجانی را تهدید به برخورد قضایی کرد](#)، چون گفته بود که پسرش بی گناه است و حکم عادلانه تبرئه اوست، ولی اگر محکوم شود، حکم دستوری است.

جنگ قدرت علیه حسن روحانی

آیت الله خامنه ای با حسن روحانی اختلاف نظرهای اساسی دارد. حسن روحانی و سیاست هایش در حوزه سیاست خارجی و داخلی مطلقاً مطلوب محافظه کاران نبوده و نیست. آنان به سرعت فعالیت های تخریبی علیه روحانی را آغاز کردند. نمی خواهند که روحانی در سال ۹۶ برای یک دوره دیگر به ریاست جمهوری انتخاب شود.

اقتصاد ایران که تحت شدیدترین تحریم های طول تاریخ قرار داشت و دارد، توسط دولت احمدی نژاد به فلاکت انداخته شد. او دولت را با رشد اقتصادی منفی ۶/۸ درصدی سال ۹۱، تورم ۴۰ درصدی، بیکاری بالا و فساد بسیار گسترده تحویل حسن روحانی داد. گام اول روحانی کاهش تورم از ۴۰ درصد به کمتر از ۱۶ درصد و کاهش رشد اقتصادی به منفی ۱/۹ درصد در سال ۹۲ و مثبت کردن آن در سال ۹۳ بود. اما کاهش ۵۰ درصدی قیمت نفت، ضربه دیگری بر اقتصاد دولتی و نفتی ایران وارد آورد و قیمت ارزهای خارجی هم افزایش یافت.

مردم کارشناس مسائل اقتصادی نیستند و کاری به این ندارند که چه کسانی اقتصاد کشور را به این روز انداخته اند. آنان انتظار داشتند و دارند که وضعیت اقتصادی به سرعت بهبود یابد. وقتی چنین نشد، میزان محبوبیت روحانی کاهش یافت. مطابق جدیدترین نظرسنجی، میزان رضایت از عملکرد از ۵۸ درصد در آبان ماه سال جاری به ۴۹ درصد در بهمن ماه کاهش یافته و میزان مخالفت با او با حدود ۳۰ درصد افزایش یافته است.

محمود احمدی نژاد هم از فرصت استفاده کرده و بر فعالیت های سیاسی خود افزوده است. او قصد دارد تا با شعارهای پوپولیستی و ضد غربی، بر موج نارضایتی ها سوار شود. وقتی از مردم پرسیده شد که در انتخابات ریاست جمهوری ۹۶ به چه کسی رأی خواهند داد، حسن روحانی در رتبه اول با ۲۷ درصد و احمدی نژاد در رتبه دوم با ۲۱ درصد آرا قرار گرفت. نمره عملکرد احمدی نژاد در دوران ریاست جمهوری اش- از ۲۰- ۱۳/۷ شد و این فقط ۰/۲ از نمره عملکرد حسن روحانی پائین تر است.

توافق نهایی هسته ای و لغو تحریم در سرنوشت روحانی تأثیر بسیار خواهد داشت. اگر مذاکرات به شکست بینجامد، نیروهای افراطی مسئولیت آن را به گردن روحانی انداخته و خواهند گفت که او همه امتیازات را به دولت های غربی به رهبری آمریکا داد و هیچ چیز نگرفت و آبروی ایران و انقلاب را برد. در این صورت زمین زدن او آسان خواهد بود.

اگر هم مذاکرات به توافق نهایی بینجامد، خواهند گفت که تحت رهبری خردمندان آیت الله خامنه ای این پیروزی به دست آمد. در صورتی که توافق نهایی به لغو چشمگیر تحریم ها و بهبود وضعیت اقتصادی نینجامد، زبان نیروهای افراطی چون احمدی نژاد و سعید جلیلی بلندتر خواهد شد.

اسطوره سازی علنی از سردار قاسم سلیمانی که ۲ سال است آغاز شده، این احتمال را هم مطرح می سازد که شاید خامنه ای و اصول گرایان او را به عنوان کاندیدای خود در برابر حسن روحانی علم کنند. در عین حال، دستیابی به توافق نهایی هسته ای، لغو تحریم های اقتصادی و بهبود روابط با دولت های غربی در نزد نخبگان و مردم یک پیروزی برای روحانی به شمار خواهد رفت. چنان امری می تواند بر

قدرت روحانی، رفسنجانی، اصلاح طلبان و سبزه‌ها بیفزاید، برای این که مردم خواهان جنگ و تخاصم نیستند، آنان خواهان صلح و روابط دوستانه با غرب و آمریکا هستند.

وقتی کشور از بزرگترین تحریم‌های طول تاریخ و حمله نظامی احتمالی نجات یابد، آزادیخواهانی که نمی‌خواهند کشورشان به سوریه و لیبی و عراق دیگری تبدیل شود، صدایشان را علیه رژیم دیکتاتوری بلندتر خواهند کرد و بر مبارزاتشان خواهند افزود، چرا که نگران به خطر افتادن موجودیت ایران نخواهند بود.

منبع: رادیو زمانه، ۲۰ اسفند ۱۳۹۳